

بررسی دو دهه همایش در زبان‌شناسی ایران؛ یک مطالعه علم‌سنجی^۱

علی رضاقلی‌فامیان*

چکیده

علم‌سنجی حوزه‌ای است که به سنجش شاخص‌های کمی مؤثر در نشر علوم می‌پردازد. در پژوهش حاضر، ۴۱۱ مقاله ارائه‌شده در ۸ همایش زبان‌شناسی ایران از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۱ با توجه به هفت شاخص علم‌سنجی بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فراوانی مقالات در زیرشاخه‌های نحوی بیش از سایر زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است و دو زیرشاخه تحلیل‌گفتمان و ساخت‌واژه در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. از میان ۷۰ دانشگاه و مرکز علمی شرکت‌کننده در همایش‌های مورد مطالعه، دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی بیش‌ترین سهم را در ارائه مقالات داشته‌اند. از مجموع مقالات ارائه‌شده، ۲۰۲ مقاله به زبان یا گویشی خاص پرداخته است و زبان فارسی با ۱۵۲ مقاله رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین گرایش به کار گروهی در انجام دادن پژوهش و تألیف مقاله، سهم زنان در ارائه مقالات، میانگین طول عنوان مقالات و نیز استناد به منابع در طول زمان افزایش یافته است.

کلیدواژه‌ها: علم‌سنجی، همایش، زبان‌شناسی، مقاله، عنوان مقاله، استناد.

۱. مقدمه

در علم‌سنجی (scientometrics)، چنان‌که از نام آن پیدا است، پارامترهای کمی مؤثر در نشر علوم اندازه‌گیری و تحلیل می‌شود؛ آن‌گاه، بر اساس یافته‌های موجود، تصویری کلی از دانش ارائه می‌شود. بخش عمده این گرایش نسبتاً جدید، که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است، با حوزه کتاب‌سنجی (bibliometrics) هم‌سوست. محققان حوزه علم‌سنجی می‌کوشند، با

* استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور famianali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳۰

تکیه بر رویکردهای کمی و کیفی، ضمن نقد روند گذشته علم و ارزیابی نقاط ضعف و قوت آن، سیر تحولات علوم را در آینده نیز پیش‌بینی کنند. در پژوهش‌های علم‌سنجی، شاخص‌های عمومی مختلفی مانند سهم گرایش‌ها و زیرشاخه‌های هر علم در نشر دانش، شمار نویسندگان هر مقاله ارائه‌شده در همایش‌ها و نشریات، وابستگی سازمانی نویسندگان، جنسیت و رتبه علمی نویسندگان، رتبه علمی سردبیر و اعضای کمیته علمی نشریات و نظایر آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در اشاره به شاخص‌های فنی‌تر نیز می‌توان از استناد (citation)، طول عنوان مقالات، معیارهای مقاله‌نویسی مانند درج چکیده و کلیدواژه‌ها نام برد. شایان ذکر است که یافته‌های حاصل از مطالعات علمی‌سنجی مهم‌ترین معیار پایگاه‌های اطلاع‌رسانی علمی جهان برای محاسبه ضریب تأثیر (impact factor) نشریات علمی و رتبه‌بندی آن‌ها به شمار می‌آید.

در این پژوهش، محقق می‌کوشد، با توجه به هفت شاخص، وضعیت نشر دانش زبان‌شناسی را در چارچوب ۸ همایش فراگیر برگزارشده در ایران ارزیابی کند. ساختار مقاله حاضر به شرح زیر است: ابتدا، پیشینه تحقیقات مربوط به علم‌سنجی در ایران و سایر نقاط جهان را مرور می‌کنیم. در دو بخش بعد، پرسش‌ها و پیکره پژوهش ارائه می‌شود. به دلیل ماهیت آماری مطالعه حاضر، بخش یافته‌های پژوهش با چند جدول و نمودار همراه است. بخش تحلیل و نتیجه‌گیری نیز به جمع‌بندی مباحث و پیشنهادهای برای مطالعات آینده اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، ابتدا با چند مطالعه داخلی و خارجی مبتنی بر شاخص‌های علم‌سنجی آشنا می‌شویم و سپس دو اثر مربوط به حوزه زبان‌شناسی را، که تا اندازه‌ای با چارچوب پژوهش حاضر هم‌سو هستند، مرور می‌کنیم.

در پژوهشی گسترده، تولیدات علمی ایران در حوزه علوم پزشکی با استفاده از روش‌های علم‌سنجی ارزیابی شده است. در این بررسی، ۱۱۹۰۱ مقاله نمایه‌شده در پایگاه SCIE، که توسط نویسندگان ایرانی تدوین شده‌اند، با توجه به گرایش‌های علوم پزشکی و دانشگاه‌ها و مؤسسات شرکت‌کننده در تولیدات علمی، طبقه‌بندی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش‌ترین تعداد مدارک منتشرشده از دانشگاه‌های ایران در این پایگاه مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ است و از نظر حوزه موضوعی نیز بیش‌ترین تعداد مدارک مربوط به

داروشناسی و کم‌ترین تعداد مربوط به طب سالمندان است. دانشگاه علوم پزشکی تهران در ۲۰ حوزه پزشکی به عنوان دانشگاه برتر شناخته شده است و بیش‌ترین هم‌کاری علمی با کشور ایالات متحده آمریکا (۲۲/۵ درصد) است (حسن‌زاده اسفنجانی و هم‌کاران، ۱۳۸۹).

فوس و ژائو (Voß & Zhao, 2005) با رویکردی مبتنی بر روش‌های علم‌سنجی دریافتند که، در حوزه ترجمه ماشینی، یافته‌های علمی به طور عمده از طریق مجموعه مقالات همایش‌ها منتشر می‌شود و سهم نشریات در این میان کم‌تر است.

منظور از استناد (citation) در هر نوشته ارجاع به منبع علمی دیگری است که خود نویسنده اثر آن را به صورت مستقیم تجربه نکرده است. گاه استناد در درون متن و به صورت پانویس ارائه می‌شود، اما امروزه استناد، به‌ویژه در مقالات علمی، در بخش پایانی ارائه می‌شود. در فرایند استناد، دو طرف استنادکننده و استنادشونده مطرح‌اند. از یک سو، نویسنده متن با استناد به منابع معتبر علمی دیگر به تقویت موضع خود می‌پردازد و، از سوی دیگر، جایگاه متنی که بیش از سایر متون مورد استناد قرار می‌گیرد ممتاز می‌شود. چاوشی نجف‌آبادی و شعبانی (۱۳۸۸) و عبدالمجید (۱۳۸۶) از جمله پژوهشگرانی‌اند که به جنبه‌های گوناگون استناد و نقش آن در رده‌بندی نشریات علمی پرداخته‌اند. البته تأکید صرف بر استناد با انتقاداتی نیز مواجه شده است؛ مثلاً، ندرهوف و هم‌کاران (Nederhof and et al, 2001) راه‌کار دیگری را برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های علمی در زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی ارائه داده‌اند. آنان با ارسال پرسش‌نامه و دریافت پاسخ آزمودنی‌ها کوشیده‌اند نشریات، ناشران و محققان را ارزیابی کنند. این پژوهشگران در رده‌بندی نشریات و ناشران دانشگاهی از شاخص‌های مختلفی استفاده کرده‌اند: مثلاً، فراوانی دفعاتی را که هر نشریه یا ناشر در رده «بسیار خوب»، «خوب»، «گاه خوب/ضعیف» قرار گرفته است مدنظر قرار داده‌اند. آنان برای دقت در کار نظریات بسیار افراطی و متعصبانه آزمودنی‌ها را کنار گذاشته‌اند. شاخص دیگر مورد توجه ندرهوف و هم‌کاران وجهه بین‌المللی نشریه یا ناشر بود و ملاک طبقه‌بندی نیز چنین بود که نشریه یا ناشری که آزمودنی‌ها در کشورهای مختلف به آن‌ها امتیاز بیش‌تری می‌دادند، در رده بالاتری از نشریه یا ناشری قرار می‌گرفت که فقط در یک کشور محبوبیت داشت.

باریوس و هم‌کاران (Barrios et al., 2013) روند تولید اسناد علمی در رشته روان‌شناسی کشور اسپانیا را با توجه به متغیر جنسیت نویسنده (ها) بررسی کرده‌اند. آنان با تمرکز بر ۵۲۲ مقاله و نقد کتاب، که در سال ۲۰۰۷ در پایگاه «وب دانش تامسون»

(Thomson Web of Science) منتشر شده بود، دریافتند که متوسط شمار محققان زن در هر مقاله معادل ۰/۴۲ درصد است و، در ۴۲/۳ درصد از مقالات، نویسنده اول مقاله زن است. نکته جالب دیگر این‌که وقتی نویسنده اول یک مقاله زن باشد، نسبت نویسندگان زن هم‌کار به نحو چشم‌گیری افزایش می‌یابد. نکته دیگر این‌که سهم زنان در تحقیقات انجام‌گرفته در مؤسسات بین‌المللی کم‌تر از مراکز داخل اسپانیاست. با توجه به یافته‌های پژوهش مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که در خصوص پارامتر جنسیت، در چارچوب انتشار پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی در اسپانیا، موازنه برقرار نیست و محققان مرد در گروه‌های بین‌المللی این رشته حضور بیش‌تری دارند.

اسفندیاری مقدم و هم‌کاران (Isfandyari Moghaddam et al, 2012) با تمرکز بر پایگاه اطلاعاتی «وب دانش» (Web of Science) کوشیده‌اند عوامل مؤثر در مشارکت زنان ایرانی در انتشار مقالات بین‌المللی را ارزیابی کنند. یافته‌های حاصل از پژوهش مبتنی بر پرسش‌نامه نشان می‌دهد که انگیزه‌های مؤثر در حضور زنان ایرانی عبارت‌اند از: ارتقای رتبه علمی، استعدادهای درونی، پشتکار و دانش فردی، احساس مشارکت فعال در جامعه، ارتقای شغلی، حمایت دوستان و خانواده، آموزه‌های دینی در خصوص اهمیت دانش و تلاش برای بروز توانایی‌های فردی.

ابوالقاسمی فخری و جویبان (Abolghassemi Fakhree and Jouyban, 2011) نیز کوشیده‌اند مشارکت چند دانشگاه علوم پزشکی کشور ایران را در انتشار مقاله در نشریات بین‌المللی بررسی کنند. آنان، با توجه به شاخص‌هایی نظیر فراوانی مقالات منتشرشده در هر سال، فراوانی استناد سالانه، فراوانی استناد سالانه برای هر مقاله، ۱۰ مؤلف برتر، و ۱۰ نشریه برتر، به مقایسه دستاوردهای پژوهشی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، اصفهان، شهید بهشتی، شیراز، تبریز و تهران پرداخته‌اند. نتایج بررسی تطبیقی ذکرشده نشان می‌دهد که ترتیب دانشگاه‌های برتر از نظر دستاوردهای پژوهشی به شرح زیر است: تهران، شیراز = شهید بهشتی، اصفهان = ایران، تبریز = مشهد.

شرق و هم‌کاران (۱۳۹۰)، با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی، به بررسی حضور و سهم علوم اعصاب متخصصان ایرانی در پایگاه ISI پرداخته‌اند. در پژوهش مذکور، وضعیت علمی حوزه علوم اعصاب ایران در نمایه‌های استنادی معتبر طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ ارزیابی شده است. در این تحقیق، که دو شاخص عامل تأثیر و تعداد استنادات در مقالات مورد نظر قرار گرفته است، از نرم‌افزارهای اکسل ۲۰۰۷ و SPSS 16

استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد انتشار مقالات حوزه اعصاب در سه سال آخر (۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸) سیر صعودی داشته است و، از میان ۱۴ زیرشاخه این حوزه علمی، بیش‌ترین تعداد مقالات مربوط به حوزه «نوروفارماکولوژی» با ۲۶۴ مقاله، و کم‌ترین تعداد مقالات مربوط به زیرشاخه‌های «هوش مصنوعی»، «نوروهیستوری» و «سایکوفارماکولوژی» است. از دیگر یافته‌های پژوهش مذکور این است که پژوهشگران ایرانی در ۱۶۸ مقاله با نویسندگان سایر کشورها هم‌کاری علمی داشته‌اند که، در ۳۳/۵۸ درصد از آن‌ها، نویسندگان ایرانی به عنوان نویسنده اول مشارکت داشته‌اند. ۸۷ درصد مقالات در مجلاتی با ضریب تأثیر بین ۰ تا ۴ منتشر شده‌اند و ۲۵ درصد از مقالات را نویسندگان دانشگاه علوم پزشکی تهران تألیف کرده‌اند.

در ادامه، با دو پژوهش در حوزه زبان‌شناسی، که به لحاظ موضوع و روش‌شناسی ارائه مطالب تا اندازه‌ای با چارچوب‌های علم‌سنجی هماهنگی دارند، آشنا می‌شویم. ناصح/ دبیرمقدم (۱۳۸۶) چکیده‌نامه‌ای است مشتمل بر ۲۵۳۰ پایان‌نامه تحصیلی رشته‌های «زبان‌شناسی همگانی»، «آموزش زبان فارسی» و هم‌چنین ۲۸ رشته منتخب دیگر، از جمله «آموزش زبان انگلیسی»، «فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران»، «گفتاردرمانی»، که در فاصله زمانی ۱۳۳۳-۱۳۸۵ در ۴۹ مرکز آموزش عالی دولتی و آزاد ایران ارائه شده‌اند. اثر مذکور مرجع جامعی است که برای اجرای طرح‌های پژوهشی علم‌سنجی در آینده قابل استفاده است.

جواندل صومعه‌سرای (۱۳۷۳) نیز چکیده پایان‌نامه‌های زبان‌شناسی دانشگاه‌های ایران را از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲ گردآوری کرده است و، در پایان کتاب، توزیع زیرشاخه‌های این رشته، توزیع تعداد دانشجویان زبان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، توزیع دانشجویان بر حسب سطوح تحصیلی کارشناسی‌ارشد و دکتری، و نیز توزیع دانشجویان بر اساس جنسیت را به همراه نمودار ارائه داده است. مطابق با یافته‌های این اثر، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، به علت قدمت بیش‌تر، نسبت به سایر دانشگاه‌ها عنوان‌های بیش‌تری را به خود اختصاص داده است. هم‌چنین مشخص شده است که، از میان ۳۴۲ عنوان پایان‌نامه مورد بررسی، بیش‌ترین عناوین به زیرشاخه ترجمه متون زبان‌شناسی با ۲۲/۶ درصد اختصاص دارد و زیرشاخه‌های گویش‌شناسی با ۱۶/۷ درصد و صرف و نحو با ۱۵/۸ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. جواندل صومعه‌سرای تحلیلی از درصد بالای حوزه ترجمه متون ارائه نداده است. نگارنده نوشتار حاضر معتقد است دلیل فراوانی

بالای حوزه ترجمه متون زبان‌شناسی این است که، در سال‌های آغازین تأسیس گروه‌های زبان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، به سبب فقدان منابع فارسی، بسیاری از دانشجویان و اساتید ترجیح می‌دادند این خلاء را با ترجمه متون تخصصی زبان‌شناسی جبران کنند. بدیهی است به تدریج، با تثبیت این رشته و تلاش برای بومی‌سازی آن، تصویب پروپوزال پایان‌نامه با محوریت ترجمه متون علمی زبان‌شناسی به حداقل رسید و مدتی بعد به طور کامل متوقف شد.

۳. پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از روش‌های رایج در مطالعات علم‌سنجی و هم‌چنین با توجه به برخی شاخص‌های ویژه علم زبان‌شناسی (مانند زبان مورد مطالعه)، می‌کوشیم به هفت پرسش زیر پاسخ دهیم:

۱. فراوانی هریک از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی در همایش‌های دو دهه زبان‌شناسی ایران به چه میزان است؟
۲. فراوانی دانشگاه‌ها و مراکز علمی در ارائه مقالات چه قدر است؟
۳. فراوانی زبان‌ها و گویش‌ها در مطالعات انجام شده چه قدر است؟
۴. آیا در طول دو دهه از نظر تعداد نویسنده برای هر مقاله شاهد تغییری معنی‌دار بوده‌ایم؟
۵. متغیر جنسیت مؤلف مقاله در طول دو دهه مورد بررسی این پژوهش چه تغییری کرده است؟
۶. طول عنوان مقالات و تراکم واژگانی عناوین چه تغییری کرده است؟
۷. وضعیت استناد به منابع فارسی و انگلیسی چه تفاوتی دارد و آیا الگوی استناد در طول دو دهه تغییر کرده است؟

۴. بیکره پژوهش

بیکره پژوهش حاضر مقالات ارائه و چاپ شده در ۸ همایش زبان‌شناسی در طول سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۱ است. مکان برگزاری تمام همایش‌های مورد نظر دانشگاه علامه طباطبائی در تهران بوده و انتشارات همین دانشگاه به چاپ مجموعه مقالات این همایش‌ها اقدام کرده است. با توجه به شاخص‌های کمی و کیفی ۸ رویداد مورد مطالعه، می‌توان ادعا کرد که این

۸ همایش روند رشد و توسعه علم زبان‌شناسی در ایران را بازتاب می‌دهند. شمار مقالات ارائه‌شده، تعداد و رتبه علمی اعضای کمیته علمی و داوران، چه‌گونگی اجرای همایش، کیفیت مجموعه مقالات چاپ‌شده، تنوع دانشگاهی و مکان جغرافیایی ارائه‌دهندگان مقاله‌ها و سایر شرکت‌کنندگان همایش‌ها حاکی از آن است که این ۸ همایش جایگاهی برجسته در رویدادهای زبان‌شناسی سال‌های گذشته داشته‌اند و، به همین دلیل، نگارنده بر این باور است که بررسی شاخص‌های مربوط به این ۸ همایش تصویری از تحولات علم زبان‌شناسی در ایران را ارائه می‌دهد. در طول سال‌های گذشته، به‌خصوص در دهه ۱۳۸۰، همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های دیگری نیز در دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی و پژوهشی برگزار شده، اما هیچ‌یک استمرار زمانی و اهمیت ۸ همایش مورد مطالعه را نداشته‌اند. از همایش اول تا پنجم، مجموعه مقالات همایش پس از دو تا سه سال منتشر شده است. نگارنده مقاله حاضر، در بخش فهرست منابع، تاریخ نشر مجموعه مقالات را مد نظر قرار داده، اما در بخش یافته‌های پژوهش و ارائه نمودارها و جدول‌ها به زمان برگزاری همایش توجه کرده است. جدول زیر تاریخ دقیق ۸ همایش و زمان نشر کتاب مجموعه مقالات را نشان می‌دهد.

جدول ۱. زمان برگزاری و چاپ مجموعه مقالات ۸ همایش زبان‌شناسی ایران

همایش	زمان برگزاری	زمان چاپ
اول	۱۵-۱۶ دی ۱۳۶۹	۱۳۷۲
دوم	۱۸-۲۰ فروردین ۱۳۷۱	۱۳۷۳
سوم	۵-۶ اسفند ۱۳۷۴	۱۳۷۶
چهارم	۲۳-۲۵ اسفند ۱۳۷۶	۱۳۷۹
پنجم	۲۱-۲۳ اسفند ۱۳۷۹	۱۳۸۱
ششم	۶-۷ آذر ۱۳۸۳	۱۳۸۳
هفتم	۲۱-۲۲ آذر ۱۳۸۶	۱۳۸۶
هشتم	۲۴-۲۵ بهمن ۱۳۹۱	۱۳۹۱

در ۸ همایش مورد مطالعه این پژوهش، در مجموع ۴۱۱ مقاله ارائه شده است که، از این میان، ۳۶۴ مقاله به زبان فارسی، ۴۶ مقاله به انگلیسی، و یک مقاله به فرانسوی ارائه و چاپ شده‌اند. در صفحات پایانی مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی، چند چکیده مربوط به پوسترهای پذیرفته‌شده در همایش نیز درج شده است که در این پژوهش مد نظر قرار نگرفته‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های حاصل از شمارش شاخص‌ها و متغیرهای مورد نظر ارائه می‌شود. گفتنی است ترتیب زیربخش‌ها متناظر با ترتیب پرسش‌های مطرح‌شده در بخش ۳ مقاله است.

۱.۵ فراوانی زیرشاخه‌های زبان‌شناسی

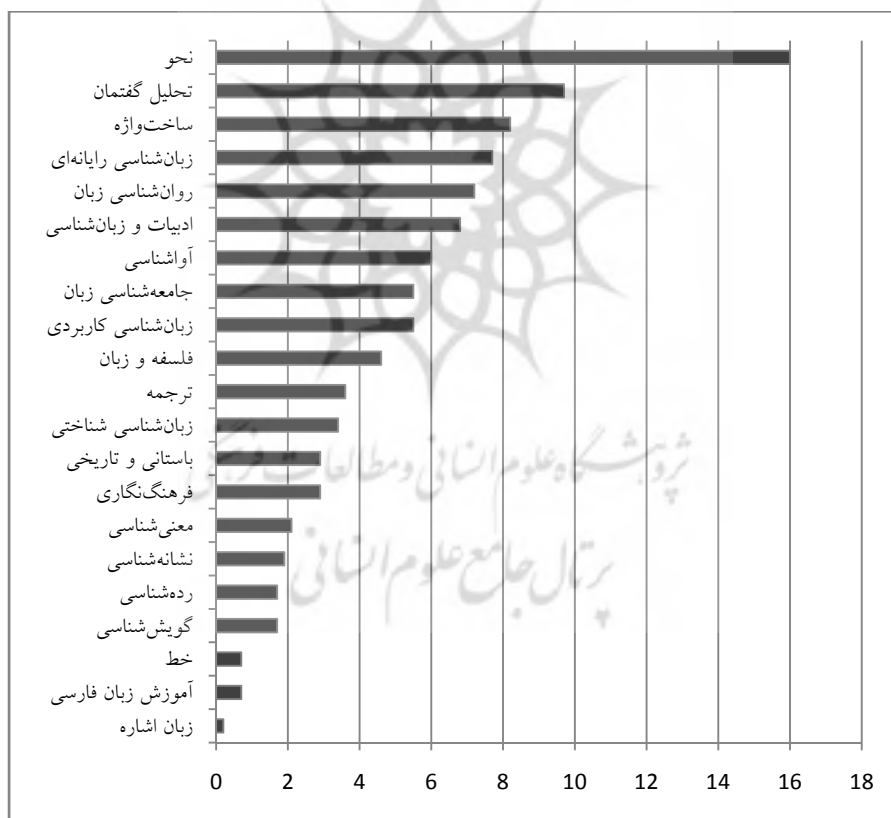
در این پژوهش، ۲۱ زیرشاخه در حوزه زبان‌شناسی نظری و کاربردی در نظر گرفته شده‌اند. در خصوص زیرشاخه‌های موجود، ذکر چند نکته ضروری است: تمام مطالعات مربوط به آواشناسی و واج‌شناسی زیر عنوان آواشناسی گردآوری شده‌اند. زیرشاخه تحلیل‌گفتمان پژوهش‌های مربوط به کاربردشناسی (pragmatics) را نیز در بر می‌گیرد. زیرشاخه روان‌شناسی تحقیقات مربوط به عصب‌شناسی زبان را نیز شامل می‌شود. مطالعات انجام‌شده در چارچوب اصطلاح‌شناسی نیز در زیرشاخه فرهنگ‌نگاری لحاظ شده است. زیرشاخه ترجمه پژوهش‌های نظری و کاربردی علوم ترجمه را در بر می‌گیرد و تحقیقات مربوط به ترجمه ماشینی ذیل زیرشاخه زبان‌شناسی رایانه‌ای قرار گرفته است. مطالعات مربوط به آموزش زبان دوم در زیرشاخه زبان‌شناسی کاربردی گنجانده شده است؛ و نکته پایانی این‌که مطالعات مربوط به زبان‌شناسی تاریخی نیز ذیل زیرشاخه باستانی و تاریخی قرار دارد.

یکی از موضوعات مهم در بررسی روند تحولات علم زبان‌شناسی فراوانی هر یک از زیرشاخه‌ها در هر همایش است. مطابق جدول ۲، در نخستین کنفرانس زبان‌شناسی (با ۱۶ مقاله) فقط در ۷ زیرشاخه مقاله ارائه شده است. به تدریج و با توجه به افزایش تعداد مقالات در هر همایش، تنوع زیرشاخه‌ها در همایش‌های بعدی نیز افزایش یافته است؛ به طوری که در پنجمین همایش (با ۸۶ مقاله) شاهد ارائه مقالات در ۱۸ زیرشاخه بوده‌ایم.

جدول ۲. فراوانی مقالات و زیرشاخه‌ها در ۸ همایش

	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	مجموع
فراوانی مقالات	۱۶	۳۹	۲۴	۵۲	۸۶	۴۲	۷۲	۸۰	۴۱۱
فراوانی زیرشاخه‌ها	۷	۱۵	۱۲	۱۷	۱۸	۱۵	۱۶	۱۵	

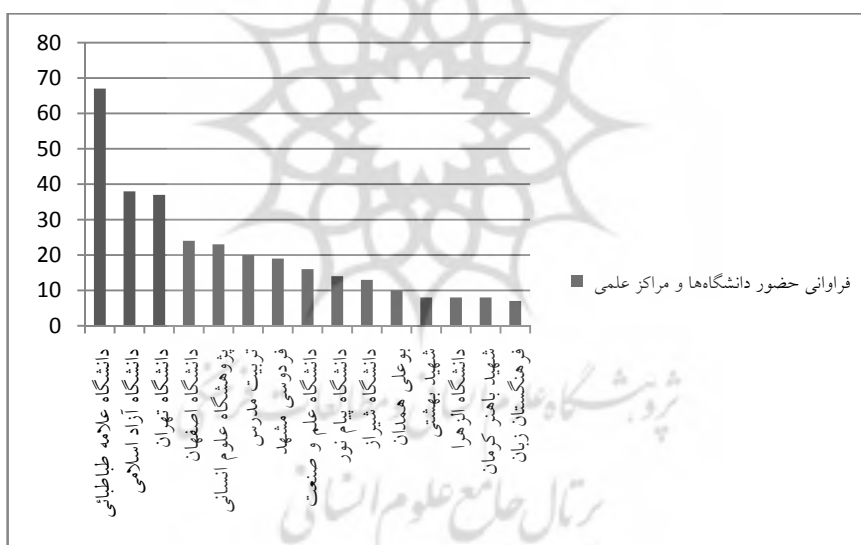
نمودار ۱ درصد فراوانی زیرشاخه‌های زبان‌شناسی را در ۸ همایش مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تحقیق، زیرشاخه‌ی نحو بالاترین فراوانی را در ۴۱۱ مقاله‌ی ارائه‌شده به خود اختصاص داده است و دو زیرشاخه‌ی تحلیل‌گفتمان و ساخت‌واژه به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. با توجه به اهمیت حوزه‌ی نحو در مطالعات زبان‌شناسی چند دهه‌ی اخیر، چنین جایگاهی برای نحو کاملاً قابل پیش‌بینی است، اما رتبه‌ی پانزدهم برای زیرشاخه‌ی معنی‌شناسی و نیز رتبه‌ی هجدهم برای زیرشاخه‌ی گویش‌شناسی دور از انتظار است. چنان‌که می‌دانیم معنی‌شناسی در کنار واج‌شناسی، ساخت‌واژه، و نحو چهار بخش اصلی زبان‌شناسی را تشکیل می‌دهند و جایگاه پانزدهم برای این زیرشاخه‌ی کلیدی رضایت‌بخش نیست. از سوی دیگر، کشور ایران میزبان اقوام و قومیت‌های مختلف با زبان‌ها و گویش‌های متنوع است و رتبه‌ی هجدهم برای زیرشاخه‌ی گویش‌شناسی نیز تصویرپذیر نیست.



نمودار ۱. درصد فراوانی زیرشاخه‌های زبان‌شناسی در ۸ همایش

۲.۵ فراوانی دانشگاه‌ها و مراکز علمی

همان‌طور که می‌دانیم، در هر مقاله وابستگی سازمانی هر مؤلف همراه با نام او درج می‌شود. یکی از شاخص‌های مورد نظر در پژوهش حاضر فراوانی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی شرکت‌کننده در ۸ همایش مورد بررسی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در مجموع ۷۰ دانشگاه یا مؤسسه علمی در ارائه مقالات مشارکت داشته‌اند. نمودار ۲ فراوانی ۱۵ دانشگاه و مرکز علمی ایران را در ۸ همایش مورد مطالعه نشان می‌دهد. دانشگاه علامه طباطبایی به عنوان میزبان همایش‌های مذکور با عدد ۶۷ مورد بیش‌ترین مشارکت را داشته است و واحدها و مراکز مختلف دانشگاه آزاد اسلامی و علوم و تحقیقات در رتبه دوم قرار دارند. گفتمی است ۶ دانشگاه و مرکز خارج از کشور نیز در این همایش‌ها مشارکت داشته‌اند که عبارت‌اند از: دانشگاه اتاوا (کانادا)، دانشگاه‌های توینگن، فرانکفورت، و آزاد برلین (آلمان)، دانشگاه نانسو ۲ (فرانسه) و انستیتو زبان و فرهنگ رودکی (تاجیکستان).



نمودار ۲. فراوانی دانشگاه‌ها و مراکز علمی در ۸ همایش

۳.۵ فراوانی زبان‌ها و گویش‌های ۸ همایش

یکی از شاخص‌های شایان توجه در علم‌سنجی زبان‌شناسی زبان یا گویش مورد مطالعه در اسناد علمی است. البته ممکن است در یک مقاله زبان‌شناسی به موضوعی کلان اشاره شود

و اساساً زبان خاصی برای پیکره پژوهش در نظر گرفته نشود. محقق در این پژوهش، برای سهولت و یک‌دستی کار، به ملاک درج عبارت زبان یا گویش در عنوان مقاله توجه کرده است. به بیان دیگر، چنان‌چه نویسنده یک مقاله نام زبان یا گویشی را در عنوان مقاله ذکر کرده است، زبان یا گویش مورد نظر شمارش شده است. مثلاً، محقق با مشاهده عنوان مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تالشی شمال»، در همایش هشتم، «تالشی» را گویشی مطالعه‌شده در نظر گرفته است.

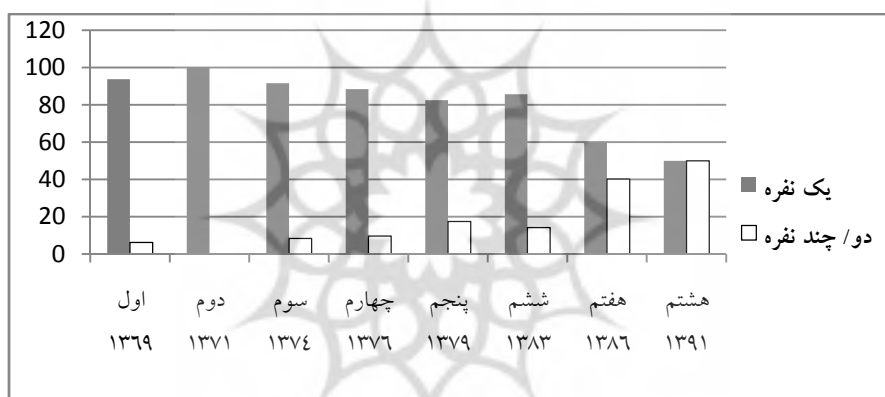
در مجموع، از میان ۴۱۱ مقاله مورد بررسی، در ۲۰۲ مقاله، ۲۵ زبان یا گویش بررسی شده‌اند. بر اساس یافته‌های مندرج در جدول زیر، ۱۵۲ مقاله به جنبه‌ای از زبان فارسی پرداخته‌اند. زبان انگلیسی با فاصله‌ای زیاد در رتبه دوم جای دارد و زبان‌های ترکی و عربی به طور مشترک در جایگاه سوم قرار می‌گیرند.

جدول ۳. فراوانی زبان‌ها و گویش‌ها

ردیف	زبان/گویش	فراوانی	فراوانی	زبان/گویش	فراوانی
۱	فارسی	۱۵۲	۱۴	جز (گویش شهرستان برخوار در استان اصفهان)	۱
۲	انگلیسی	۱۹	۱۵	راچی	۱
۳	ترکی	۳	۱۶	هورامی	۱
۴	عربی	۳	۱۷	ایرانی باستان	۱
۵	کردی	۲	۱۸	نایینی	۱
۶	فرانسه	۲	۱۹	یزدی	۱
۷	بلوچی	۲	۲۰	سبزواری	۱
۸	ارمنی	۲	۲۱	ترکمنی	۱
۹	شیرازی	۲	۲۲	چینی	۱
۱۰	پهلوی	۲	۲۳	هیتی	۱
۱۱	لکی	۱	۲۴	اوستایی گاهان	۱
۱۲	تالشی	۱	۲۵	سغدی	۱
۱۳	تاتی	۱			

۴.۵ تعداد نویسندگان هر مقاله

یکی از ویژگی‌های علوم پایه، پزشکی، و فنی و مهندسی این است که بسیاری از طرح‌های پژوهشی در قالب کار گروهی انجام می‌گیرند و معمولاً گزارش حاصل از پژوهش‌های مذکور نیز با همکاری دو یا چند محقق منتشر می‌شود. این ویژگی در علوم انسانی تا اندازه‌ای کم‌رنگ است و گروهی از منتقدان فقدان پژوهش‌های گروهی را یکی از آسیب‌های جدی در علوم انسانی می‌دانند. نگارنده با توجه به این موضوع کوشیده است به شاخص کار گروهی در ارائه مقالات نیز توجه کند. نمودار زیر درصد فراوانی مقالات یک‌نفره را در مقایسه با مقالات حاصل از همکاری دو، سه یا چهار مؤلف نشان می‌دهد.



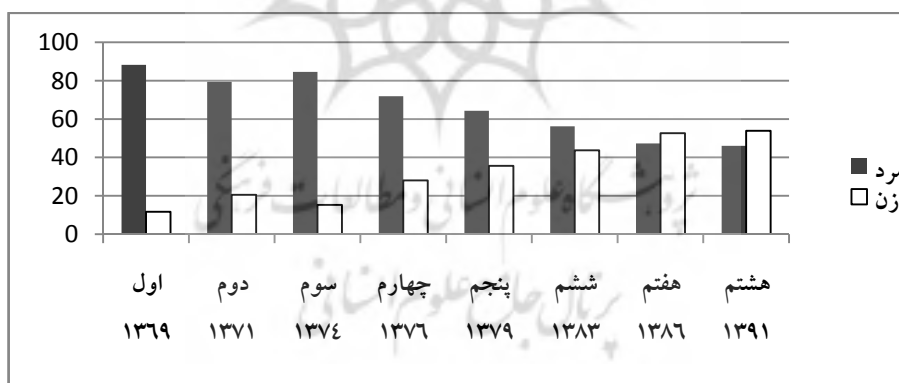
نمودار ۳. درصد فراوانی مقالات یک‌نفره در مقایسه با مقالات دو/چندنفره

مرور نمودار حاکی از آن است که در همایش‌های اول تا ششم فراوانی مقالات حاصل از کار گروهی بسیار ناچیز است، در حالی که در همایش هفتم، که مقارن با نیمه دهه هشتاد شمسی است، تحول چشم‌گیری در فراوانی مقالات گروهی مشاهده می‌کنیم. گرایش به هم‌کاری علمی در نگارش و ارائه مقالات در همایش هشتم نیز تداوم یافته است، به طوری که پنجاه درصد از مقالات ارائه‌شده در این همایش انفرادی و پنجاه درصد دیگر حاصل هم‌کاری دو، سه یا چهار محقق بوده است. مرور اجمالی نمودار بالا نشان می‌دهد که محققان زبان‌شناسی ایران به تدریج به الگوی کار گروهی در نشر دانش روی می‌آورند. البته گروهی از ناظران معتقدند نیاز اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها به کسب امتیاز حاصل از تألیف مقاله و هم‌چنین نیاز دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به ارائه مقاله

برای اخذ مجوز دفاع از پایان‌نامه یا کسب نمره انگیزه اصلی این گرایش است. نگارنده معتقد است، صرف نظر از انگیزه‌های اداری و غیرعلمی این روند، گرایش مؤلفان مقالات به کار گروهی امری مثبت و سازنده است و به توسعه زبان‌شناسی و گسترش علوم میان‌رشته‌ای کمک می‌کند. شایان ذکر است بخش قابل توجهی از مقالات با دو، سه یا چهار مؤلف در واقع به زیرشاخه‌های علوم میان‌رشته‌ای مانند زبان‌شناسی رایانه‌ای یا روان‌شناسی زبان اختصاص دارند و بدیهی است یکی از الزامات گسترش علوم میان‌رشته‌ای گرایش به کار جمعی در میان محققان است.

۵.۵ متغیر جنسیت مؤلف

یکی دیگر از شاخص‌های درخور تأمل در مطالعات علم‌سنجی سهم هریک از گروه مردان و زنان در فعالیت‌های یک رشته علمی است. نمودار زیر درصد مشارکت مردان و زنان را در ۸ همایش مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینیم، سهم مشارکت زنان در ارائه مقالات علم زبان‌شناسی به تدریج و با شیبی آرام افزایش یافته است؛ به طوری که، در همایش‌های هفتم و هشتم، سهم مشارکت زنان از مردان پیشی گرفته است.

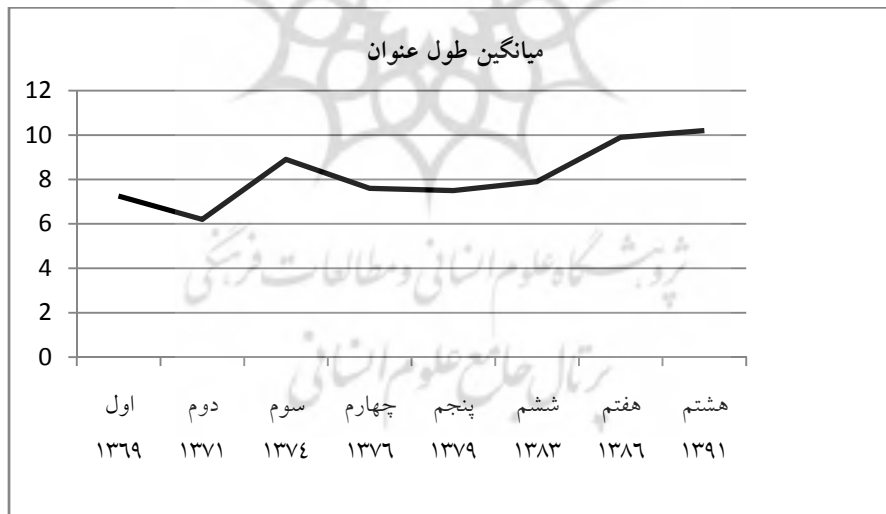


نمودار ۴. درصد فراوانی مشارکت مؤلفان مرد و زن در ۸ همایش

۶.۵ طول عنوان و تراکم واژگانی

عنوان هر مقاله در حکم شناسنامه یک اثر علمی و پژوهشی است که، به واسطه آن،

محققان می‌توانند در خصوص درون‌مایه مقاله قضاوت و آن را مطالعه کنند یا کنار بگذارند. بدیهی است، هر چه قدر عنوان مقاله طولانی‌تر باشد، تشخیص موضوع و جزئیات مربوط به آن ساده‌تر می‌شود. فرضیه اولیه محقق این بوده است که عنوان مقالات در همایش‌های پیشین کوتاه‌تر بوده است و، هر چه به زمان حال نزدیک‌تر شده‌ایم، طول عنوان مقالات بیش‌تر شده است. با توجه به اطلاعات آماری مندرج در جدول زیر، به‌ویژه اگر میانگین طول عنوان مقالات در همایش اول (۷/۲۵) را با میانگین همایش هشتم (۱۰/۲) مقایسه کنیم، شاهد افزایش چشم‌گیری در شاخص طول عنوان مقالات هستیم. واقعیت این است که عنوان مقالات ارائه‌شده در همایش‌های اول و دوم کم و بیش شبیه عنوان کتاب‌های حوزه زبان‌شناسی است، در حالی که، در همایش‌های هفتم و هشتم، عنوان مقالات بیش‌تر شبیه عنوان پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است؛ به این معنا که، در اغلب موارد، چارچوب پژوهش، پیکره پژوهش، و محدوده جغرافیایی تحقیق انجام‌شده دقیقاً در عنوان مقاله ذکر شده است. نمودار ۵ افزایش میانگین طول عنوان را در ۸ همایش مورد بررسی نشان می‌دهد.



نمودار ۵. میانگین طول عنوان مقالات در ۸ همایش

منظور از تراکم واژگانی مقداری است که از تقسیم کلمات قاموسی شامل اسم، فعل، صفت و قید بر کل کلمات یک متن از جمله کلمات نقشی، ضرب در عدد ۱۰۰،

حاصل می‌شود. مثلاً، در مقاله با عنوان «تأثیر استفاده از تصویر در کمک به یادگیری فارسی به عنوان زبان دوم»، شمار کلمات قاموسی ۹ است، در حالی که کل کلمات عنوان (با احتساب کلمات نقشی «از»، «در»، «به») ۱۳ است. به این ترتیب حاصل تقسیم $9/13$ را در عدد ۱۰۰ ضرب می‌کنیم و مقدار تراکم واژگانی $69/2$ حاصل می‌شود. تراکم واژگانی در مطالعات زبان‌شناسی رایانه‌ای و تحلیل گفتمان اهمیت دارد؛ زیرا به عنوان یکی از شاخص‌های تمایز دهنده در مبحث ژانر مطرح است. بدیهی است هر چه کلمات نقشی در متن کم‌تر باشد، تراکم واژگانی بیش‌تر خواهد بود. تراکم واژگانی بیش‌تر نشان دهنده آن است که نویسنده متن، اعم از ادبی یا علمی، بیش‌ترین استفاده را از واژگان اصلی زبان کرده است و کم‌تر به استفاده از کلمات دستوری مجبور شده است. مرور جدول زیر نشان می‌دهد تراکم واژگانی در همایش اول $68/9$ است و این مقدار عددی در هشتمین همایش زبان‌شناسی به $80/2$ رسیده است. این امر از تسلط نویسندگان مقالات در استفاده از کلمات اصلی و قاموسی برای بیان مفاهیم مورد نظرشان خبر می‌دهد.

جدول ۴. طول و تراکم واژگانی عنوان مقالات ۸ همایش

تراکم واژگانی	میانگین	طول عنوان	
۶۸/۹	۲/۲۵	۱۱۶	اول
۷۶/۷	۶/۲	۲۴۵	دوم
۷۶/۷	۸/۹	۲۱۵	سوم
۷۶/۶	۷/۶	۳۹۸	چهارم
۷۶/۸	۷/۵	۶۴۵	پنجم
۷۹/۹	۷/۹	۳۳۴	ششم
۷۷/۶	۹/۹	۷۱۶	هفتم
۸۰/۲	۱۰/۲	۸۲۰	هشتم

پس از مرور میانگین طول عنوان مقالات ارائه‌شده، می‌توان به کوتاه‌ترین و طولانی‌ترین عنوان مقالات نیز اشاره کرد. از مجموع ۴۱۱ مقاله مورد بررسی، ۱۰ مقاله با عنوان دوکلمه‌ای مشاهده شد. جالب اینجاست که هیچ‌یک از این مقالات در همایش‌های هفتم و هشتم ارائه نشده‌اند. جدول زیر اطلاعات مربوط به ۱۰ مقاله مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۵. مقالات با عنوان‌های دوکلمه‌ای

همایش	عنوان مقاله	زیرشاخه
دوم	مجمع پریشانی	ادبیات
دوم	آموزش فارسی	آموزش فارسی
چهارم	گونه‌شناسی زبان	رده‌شناسی
چهارم	متغیرهای ترجمه	ترجمه
چهارم	جزء‌واژگی چیست؟	معنی‌شناسی
چهارم	عصب‌شناسی زبان	روان‌شناسی زبان
چهارم	مفاهیم وزن	ادبیات
ششم	افعال نمودی	نحو
ششم	نشان‌داری زمانی	معنی‌شناسی
ششم	دوزبانه‌های بلوچ	جامعه‌شناسی زبان

مقاله با عنوان « ماهیت تعامل زنجیره‌ای واژه‌ها در داستان کوتاهی از همینگوی: ارائه یک رهیافت تحلیلی برای بررسی عناصر پیوستگی در متون نثر ادبی» با ۲۱ واژه طولانی‌ترین عنوان را داراست. این مقاله در همایش چهارم و در زیرشاخه تحلیل‌گفتمان ارائه شده است.

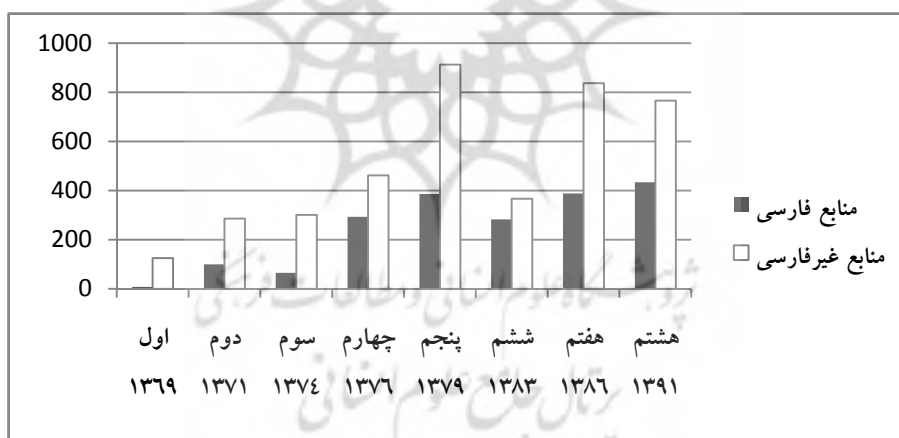
۷.۵ استناد

در پیشینه پژوهش، تعریفی اجمالی از استناد ارائه شد و این نکته نیز مطرح شد که استناد مؤلف مقاله به منبعی دیگر بر اصالت اثر می‌افزاید. در روند استناد مقالات مورد بررسی، شاهد دو الگوی جالب‌توجه هستیم. از یک سو، فراوانی استنادها به منابع فارسی بیش‌تر شده است و، از سوی دیگر، میانگین مجموع استنادها از همایش اول تا همایش هشتم افزایش چشم‌گیری یافته است. افزایش استناد به منابع فارسی را می‌توان به کمبود منابع فارسی اعم از ترجمه یا تألیف در دهه شصت شمسی نسبت داد. بدیهی است، به مرور زمان و با انتشار روزافزون منابع فارسی، میزان ارجاع‌دهی مؤلفان به منابع فارسی نیز افزایش یافته است. افزایش مجموع استنادها اعم از فارسی و غیرفارسی نیز حاکی از آن است که مؤلفان مقالات، بیش از پیش، به اهمیت استناد در متون علمی پی برده‌اند. جدول ۶ فراوانی

منابع فارسی و غیرفارسی را در مقالات ارائه شده در همایش های مورد بررسی نشان می دهد. در نمودار ۶ نیز تصویری از وضعیت استناد در پیکره پژوهش ارائه می شود.

جدول ۶. فراوانی منابع فارسی و غیرفارسی در مقالات ۸ همایش

میانگین	مجموع	فراوانی منابع		همایش
		فارسی	انگلیسی	
۸/۳	۱۳۳	۱۲۵	۸	اول
۹/۸	۳۸۶	۲۸۶	۱۰۰	دوم
۱۵/۲	۳۶۶	۳۰۱	۶۵	سوم
۱۴/۵	۷۵۵	۴۶۲	۲۹۳	چهارم
۱۵/۱	۱۲۹۹	۹۱۳	۳۸۶	پنجم
۱۵/۴	۶۵۰	۳۶۷	۲۸۳	ششم
۱۷	۱۲۲۵	۸۳۷	۳۸۸	هفتم
۱۵	۱۲۰۰	۷۶۶	۴۳۴	هشتم



نمودار ۶. استناد به منابع فارسی و غیرفارسی در مقالات ۸ همایش

هم چنین مؤلف مقاله انگلیسی "Pragmatics and Language Teaching: Problems and Possibilities" ارائه شده در همایش پنجم، در زیرشاخه زبان شناسی کاربردی، به ۷۳ منبع انگلیسی ارجاع داده و رکورد شمار استناد را به خود اختصاص داده است. بسیاری از مقالات به ویژه آثار ارائه شده در همایش های اول تا سوم فاقد منابع اند.

۶. تحلیل و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده از برخی شاخص‌های مورد استفاده در علم‌سنجی به ارزیابی ۸ همایش در زبان‌شناسی ایران پرداختیم. در این مطالعه توصیفی، ضمن به تصویر کشیدن کاستی‌های موجود در گذشته و حال، راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت نشر دانش زبان‌شناسی در آینده نیز ارائه شده است.

بررسی صوری و ساختاری مقالات ارائه‌شده در ۸ همایش برگزار شده نشان می‌دهد که، با گذشت زمان، اصول مقاله‌نویسی بیش‌تر رعایت شده است. از نکات جالب توجه این‌که، در همایش‌های هفتم و هشتم، تمام مقالات دارای چکیده و کلمات کلیدی‌اند و، در همایش هشتم، حجم تقریباً تمام مقالات حداکثر ۱۰ صفحه است. به نظر می‌آید درج چکیده، کلمات کلیدی، و تعیین سقف برای حجم مقاله از جمله مواردی است که دبیرخانه هشتمین همایش نویسندگان مقالات را به رعایتشان ملزم کرده است. بدیهی است توجه به این گونه اصول به قاعده‌مند شدن صورت و حتی محتوای مقالات ارائه‌شده در همایش‌های بعدی کمک می‌کند.

یکی از دستاوردهای پژوهش حاضر نشان دادن درصد ناچیز فراوانی دو زیرشاخه معنی‌شناسی و گویش‌شناسی در ۸ همایش مورد بررسی بوده است. واقعیت این است که در حوزه معنی‌شناسی به عنوان حوزه‌ای اصلی در علم زبان‌شناسی باید تحقیقات بیش‌تری انجام داد و به زیرشاخه گویش‌شناسی نیز، با توجه به تنوع زبانی و گویشی ایران، باید بیش‌تر توجه کرد.

در خصوص فراوانی دانشگاه‌ها و مراکز علمی نیز دیدیم که ۱۵ مرکز بخش عمده‌ای از مشارکت در ارائه مقالات را به عهده داشته‌اند. از نکات شایان توجه این است که شماری از دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز در حوزه‌هایی مانند روان‌شناسی مشارکت داشته‌اند. بدیهی است، با گسترش علوم میان‌رشته‌ای، سهم این‌گونه دانشگاه‌ها در همایش‌های آتی زبان‌شناسی بیش‌تر خواهد شد. چنین تحولی در مورد دانشگاه‌های فنی و مهندسی نیز با توجه به گسترش زیرشاخه زبان‌شناسی رایانه‌ای پیش‌بینی می‌شود.

فراوانی زبان‌ها و گویش‌های مورد توجه در همایش‌های مورد مطالعه نیز جالب توجه است. همان‌طور که دیدیم، پیکره ۷۵ درصد از مقالاتی که به زبانی خاص تأکید داشته‌اند زبان فارسی بوده است. در ۹ درصد از مقالات به زبان انگلیسی پرداخته شده و، در ۱۶ درصد باقی‌مانده، ۲۳ زبان یا گویش دیگر مورد توجه بوده است. به این

ترتیب، نتایج نشان می‌دهد زبان‌شناسان ایران یکی از وظایف خود را توصیف بخشی از زبان فارسی می‌دانند و این امر از تلاش برای بومی‌سازی علم زبان‌شناسی در ایران خبر می‌دهد.

مرور یافته‌های مربوط به تعداد نویسندگان برای هر مقاله حاکی از آن است که گرایش به فعالیت‌های گروهی و هم‌چنین هم‌کاری با محققان سایر رشته‌های علوم انسانی یا علوم مهندسی در میان زبان‌شناسان رو به افزایش است و فرهنگ کار جمعی در تألیف و ارائه مقالات به تدریج تثبیت می‌شود.

بررسی متغیر جنسیت مؤلفان مقالات نیز جالب توجه است. همان‌طور که دیدیم، از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۱، مشارکت زنان در تألیف مقالات به تدریج افزایش یافته و حتی در دو همایش هفتم و هشتم سهم زنان از مردان پیشی گرفته است. بدیهی است پذیرش شمار زیادی از زنان به عنوان دانشجویان تحصیلات تکمیلی و نیز حضور بیش‌تر زنان در فعالیت‌های علمی و اجتماعی به این افزایش تدریجی و در عین حال تعیین‌کننده کمک کرده است.

افزایش طول عنوان مقالات و تراکم واژگانی نیز نشان‌دهنده آن است که محققان این رشته در تألیف مقاله بیش از پیش به دقت در تدوین عنوان پژوهش خود و، در مجموع، به رعایت اصول مقاله‌نویسی ملزم شده‌اند و این روند افزایشی از ارتقای کیفیت مقاله‌نویسی و همایش‌های برگزارشده خبر می‌دهد.

در شاخص استناد به منابع علمی نیز شاهد رشدی چشم‌گیر هستیم. یافته‌ها نشان می‌دهد هم میانگین استنادها به تدریج افزایش یافته و هم استناد به منابع فارسی، اعم از کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌های فارسی، افزایش یافته است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت روند تألیف و ارائه مقالات، در ۸ همایش زبان‌شناسی ایران، متأثر از تحولات اجتماعی کشور، مسیر خاصی را دنبال کرده است. بدیهی است با مطالعه علمی‌سنجی کتاب‌ها و نشریات و هم‌چنین سایر همایش‌های منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی ایران می‌توان از روند توسعه علم زبان‌شناسی در ایران تصویری جامع‌تر ارائه داد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

منابع

- جواندل صومعه‌سرایبی، نرجس (۱۳۷۳). چکیده پایان‌نامه‌های زبان‌شناسی ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- چاوشی نجف‌آبادی، زهرا، احمد شعبانی (۱۳۸۸). «بررسی مفاهیم، تعاریف و کارکردهای تحلیل استنادی در حوزه علم‌سنجی»، فصلنامه دانش‌سنجی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)، س ۲، ش ۴.
- حسن زاده اسفنجانی، حافظ محمد، علی ولی‌نژادی، مجید نقی‌پور، پریسا فرشید، اصغر بختیارزاده، حمید بورقی (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی تولیدات علمی ایران در حوزه پزشکی به روش علم‌سنجی از طریق پایگاه استنادی Web of Science طی ۳۰ سال (۲۰۰۷-۱۹۷۸)»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، دوره ۲۰، ش ۳.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۲). مجموعه مقالات نخستین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: دانشگاه طباطبایی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۱). مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، (۲ ج)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیرمقدم، محمد، مصطفی عاصی، ارسلان گلفام، یحیی مدرسی (۱۳۸۶). مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران (۲ ج)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیرمقدم، محمد و ابراهیم کاظمی (۱۳۸۲). مجموعه مقاله‌های پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- شرق، علی و دیگران (۱۳۹۰). «بررسی حضور علوم اعصاب ایران در پایگاه ISI-ابر اساس شاخص‌های علم‌سنجی»، مدیریت سلامت، س ۱۴، ش ۴۴.
- عبدالمجید، امیرحسین (۱۳۸۶). «تحلیل استنادی: تعاریف و کاربردها»، فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، س ۲۲، ش ۳.
- مدرسی، یحیی، محمد دبیرمقدم (۱۳۷۶). مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرعمادی، سید علی (۱۳۷۳). مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناصر، محمدامین (۱۳۸۶). چکیده پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی و آزاد کشور دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری (۱۳۳۳-۱۳۸۵)، ناظر علمی: محمد دبیرمقدم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- Barrios, M., A. Villarroya, A. Borrego. (2013). "Scientific production in psychology: a gender analysis", *Scientometrics* 95.
- Isfandyari-Moghaddam, A., M. Hasanzadeh, Z. Ghayoori. (2012). "A study of factors affecting research productivity of Iranian women in ISI", *Scientometrics*, Vol. 91, Issue 1.
- Nederhof, A. J., M. Luwel, H. F. Moed. (2001). "Assessing the quality of scholarly journals in linguistics: An alternative to citation-based journal impact factors", *Scientometrics*, Vol. 51, Issue 1.
- Voß, S., X. Zhao (2005). "Some Steps towards a scientometric analysis of publications in machine translation", *Proceedings of the 23rd IASTED International Multi-Conference Artificial Intelligence and Applications*, February 14-16, 2005, Innsbruck, Austria.

